

A look into Health Services of the Oil Industry in the Iran-Iraq War

Ali Yazdi Nezhad^{1*}

¹ General Practitioner, Researcher of Contemporary Iranian Medical History, Tehran, Iran

Received: 18 June 2021 Accepted: 1 October 2021

Abstract

Background and Aim: Oil-rich regions of Iran are generally located in the south and southwest of the country. The lands that were unfortunately repeatedly subjected to the most brutal bombardments and attacks by the enemy army during the eight-year Iran-Iraq war lost many children and suffered great damage and destruction. These widespread attacks also left many injured. Prompt and proper health care for the wounded, wounded, and war victims required a coherent organization that Iran's military structures lacked, especially in the early days of the war, for the reasons discussed in this study. For this reason, the Oil Health Organization, which was one of the most advanced health structures in the country, especially in the southern regions of Iran, was able to provide valuable services to the wounded and wounded of the war, including civilians, soldiers, volunteer fighters and even the Iraqi army.

Methods: This article is a historical review in which oral history has been used extensively. Unfortunately, in the articles and books written about Combat Medicine in Iran, there is no mention of the role of oil health and the author has not reached them. The present study only addresses some of these valuable services.

Results: Using a handful of sources and talking to several people involved in the oil industry and working in the field of treatment, data about hospitals, people working in these hospitals, and the results of their sacrifices were obtained. This, above all, is a sign of their self-sacrifice and devotion.

Conclusion: In the early days of the Iran-Iraq war, the oil industry was one of the centers that provided various services to the war wounded; including various hospitals of the oil industry. But unfortunately, there is very little data available in this area. In order to collect and transmit this data to future generations, it is necessary to make a concerted effort to document the health services of the oil industry during the Iran-Iraq war. This article is a suggestion to start this way.

Keywords: Iran Oil Industry, Health and Wellness, The Wounded of the Iran-Iraq War.

* Corresponding Author: Ali Yazdi Nezhad

Address: Researcher of Contemporary Iranian Medical History, Tehran, Iran.

E-mail: infi@mirmah.com

نگاهی به خدمات بهداری و بهداشت صنعت نفت در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران

علی یزدی نژاد^{۱*}

^۱ پزشک عمومی، پژوهشگر تاریخ پزشکی معاصر ایران، تهران، ایران

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۲۸ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۰۹

چکیده

زمینه و هدف: مناطق نفت خیز ایران، عموماً در جنوب و جنوب غربی این کشور جای دارند. سرزمین‌هایی که شوربختانه در جریان جنگ هشت ساله ایران و عراق بارها مورد بی‌رحمانه‌ترین بمباران‌ها و حملات ارتش دشمن قرار گرفته، فرزندان زیادی را از دست دادند و متحمل خسارات و ویرانی‌های زیادی شدند. این حملات گسترده، مجروحین زیادی نیز برجای گذاشت. رسیدگی سریع و صحیح بهداشتی و درمانی به مجروحین، مصدومین و جنگ‌زدگان نیازمند تشکیلاتی منسجم بود که ساختارهای نظامی ایران بنا به دلایلی که در این پژوهش بدان پرداخته نشده است بویژه در روزهای نخست جنگ، از آن کم‌بهره بودند. باوجود مقالات و کتب منتشره متعدد در خصوص طب رزمی در دوران دفاع مقدس، گزارشی از تشکیلات بهداری و بهداشت نفت ایران و نقش آن در این مقطع زمانی به دست نگارنده نرسیده است. لذا با این هدف، بررسی خدمات بهداری صنعت نفت مورد نظر قرار گرفت.

روش‌ها: این مقاله یک بررسی تاریخی است که در آن از روش تاریخ شفاهی با انجام مصاحبه با اشخاص مرتبط با موضوع مقاله به‌طور گسترده استفاده شده است.

یافته‌ها: با استفاده از چند منبع انگشت شمار و گفتگو با چند تن از دست‌اندرکاران عرصه صنعت نفت و شاغل به کار در حوزه درمان، داده‌هایی درباره بیمارستان‌ها، افراد مشغول به کار در این بیمارستان‌ها و نتایج مرتبط بر فداکاری‌های آنان به‌دست آمد، که بیش از هر چیز نشان از ایثار و از خود گذشتگی آنان دارد.

نتیجه‌گیری: در آغازین روزهای جنگ ایران و عراق، حوزه بهداشت و درمان صنعت نفت از جمله مراکزی بود که خدمات متعددی به مجروحان جنگی ارائه داد؛ از جمله بیمارستان‌های مختلف صنعت نفت. اما متأسفانه داده‌های بسیار کمی در این زمینه موجود است. با هدف جمع‌آوری و انتقال این داده‌ها به نسل‌های بعدی، لازم است کوشش منسجمی در جهت مستندسازی خدمات بهداشت و درمان صنعت نفت در طول جنگ ایران و عراق انجام شود. این مقاله، پیشنهادی برای آغاز این راه است.

کلیدواژه‌ها: صنعت نفت ایران، بهداری و بهداشت صنعت نفت، مجروحین جنگ ایران و عراق.

* نویسنده مسئول: علی یزدی نژاد

آدرس: پژوهشگر تاریخ پزشکی معاصر ایران، تهران، ایران.

ایمیل: infi@mirmah.com

مقدمه

تشکیلات صنعت نفت ایران که یکی از بزرگترین صنایع نفتی در جهان به‌شمار می‌آید، عموماً در مناطق نفت‌خیزی که در جنوب و جنوب غربی کشور جای دارند، تمرکز یافته است.

سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت که هم‌اکنون بیش از یکصد و ده سال از شکل‌گیری آن می‌گذرد؛ در طی این سال‌ها، نه تنها به کارکنان این صنعت از هر نژاد و ملیت و نیز مردم بومی خدمات زیادی ارائه نموده است؛ بلکه بارها در شرایط سخت به یاری متولیان امور بهداشت و درمان کشور آمده که از مهمترین این موارد می‌توان به پایه‌گذاری تشکیلاتی منسجم برای مبارزه با بیماری سل و ریشه‌کنی تراخم و مالاریا در جنوب کشور و همچنین خدمات ارزنده در دوران جنگ هشت‌ساله ایران و عراق (۱۳۶۷-۱۳۵۹ خورشیدی) اشاره نمود (۱).

متأسفانه در مقالات و کتاب‌هایی که تاکنون درمورد طب رزمی (Combat Medicine) در ایران نگاشته شده، اشاره‌ای به نقش بهداری و بهداشت نفت نشده و یا نگارنده به آن‌ها دست نیافته است. پژوهش حاضر تنها به گوشه‌هایی از این خدمات ارزشمند اختصاص دارد. در نوشتار پیش‌روی سعی شده است تا به جزئیات برخی از خدمات این سازمان در طی هشت سال جنگ که نگارنده به منابع آن‌ها دست یافته است با رویکردی تاریخ‌نگارانه پرداخته شود.

روش‌ها

این گزارش، مقاله‌ای مروری و گذشته‌نگر با نگاهی تاریخی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای و تاریخ شفاهی است و بخش‌هایی از آن با استناد به کتاب‌هایی که تاکنون درباره تاریخچه بهداشت و درمان صنعت نفت ایران و نقش آن در دگرگونی‌ها، شرایط مختلف و بحران‌های گوناگون بهداشتی و درمانی در کشور نگاشته شده، به رشته تحریر درآمده است. علاوه بر مجموعه‌هایی که بر مبنای مصاحبه با کارکنان صنعت نفت که در مناطق جنگی حضور داشته‌اند، خاطرات یکی از جراحان ایرانی که در دوره جنگ، جراح بیمارستان نفت آبادان بوده است و نیز یکی از پزشکان هندی که در دوران جنگ به عنوان جراح در بیمارستان‌های مسجدسلیمان و آبادان خدمت نموده است، مصاحبه با مدیر اداری-مالی وقت بهداری و بهداشت تهران و عضو ستاد جذب جانبازان در شرکت ملی نفت، تنها بانوی پرستار اتاق عمل مسجدسلیمان در آغاز جنگ و همچنین یکی از کارشناسان پیشین امور ایثارگران سازمان بهداشت و درمان نفت و در نهایت بررسی پرونده شهدای این سازمان که در اداره امور ایثارگران سازمان مذکور موجود می‌باشد، برای تدوین این مقاله مورد استفاده قرار گرفته‌اند. استناد به مصاحبه شفاهی با افراد آگاه در این زمینه از ویژگی‌های مقاله حاضر است. در شبکه جهانی (اینترنت) به زبان فارسی و انگلیسی، داده‌های قابل اعتمادی در مورد خدمات بهداری و بهداشت صنعت نفت در جریان جنگ ایران و عراق به دست نیامد.

نتایج

نگاهی به روزهای آغازین جنگ ایران و عراق

ارتش عراق که از ابتدای سال ۱۳۵۹ تحرکات مشکوک خود را در مرزهای ایران آغاز کرده بود، در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰) رسماً به ایران حمله کرد. نیروهای عراقی به گونه‌ای برنامه‌ریزی کرده بودند که بتوانند نواحی بزرگی از غرب و جنوب غرب ایران را اشغال کنند. در نخستین روزهای حمله ارتش عراق به خاک ایران، حدود سی‌هزار کیلومتر مربع از خاک ایران به اشغال ارتش عراق درآمد. طی دو روز نخست حمله، نیروهای عراقی به هیچ یگان نظامی که حتی در حد تیپ هم باشد، روبرو نشدند. در واقع آن زمان ایران فقط دو لشکر از نیروهای مسلح و دو لشکر موتوریزه پیاده‌نظام در غرب کشور داشت که آن‌ها هم همگی از مرزها فاصله داشتند. نیروی زمینی ارتش عراق از سه جبهه، یورش خود را به ایران آغاز کرد. سپاه اول از جبهه شمالی به سوی قصر شیرین، سپاه دوم از جبهه میانی به طرف مهران و سپاه سوم از جبهه جنوبی به سوی خوزستان حمله‌ور شدند. عراق در پی تصرف شهر مرزی خرمشهر و پس از آن آبادان، اهواز، دزفول و سوسنگرد بود. پس از تصرف خرمشهر، ارتش عراق موفق شد در اواخر آبان ۱۳۵۹ شهر آبادان را که مهمترین شهر در مناطق نفت‌خیز ایران به‌شمار می‌آمد در محاصره بگیرد، اما با مقاومت مردمی روبرو شد و در تصرف سوسنگرد و اهواز با شکست مواجه گردید. این جنگ تا سال ۱۳۶۷ ادامه یافت.

مناطق نفت‌خیز ایران در جریان جنگ

مناطق نفت‌خیز ایران از مهمترین اهداف ارتش مهاجم عراق به حساب می‌آمدند. صدام حسین -رئیس جمهور وقت عراق- فکر می‌کرد که تصرف خوزستان به واسطه آن که بخش مهمی از آن را ایرانیان عرب‌زبان تشکیل می‌دهند به آسانی امکانپذیر است؛ و از سوی دیگر با انهدام تأسیسات نفتی ایران می‌تواند شاهرگ اقتصادی این کشور را قطع نموده و از این طریق ایران را با مشکلات عمده اقتصادی مواجه سازد. به همین دلیل، از روز نخست جنگ، اقدام به حملات گسترده‌ای به این مناطق کرد و آن را تا پایان جنگ ادامه داد. آبادان که اولین پالایشگاه نفتی خاورمیانه را در خود جای داده است و در آن روزگار مهمترین شهر صنعتی ایران به‌شمار می‌آمد؛ مسجد سلیمان "مهد صنعت خاورمیانه" (۲) که نخستین میدان نفتی ایران در آن کشف شده بود؛ اهواز به عنوان مرکز فعالیت‌های اداری و سازمانی صنعت نفت ایران؛ جزیره خارک از توابع استان بوشهر که مهمترین پایانه صادرات نفتی ایران محسوب می‌شد، گچساران که امروز در استان کهگیلویه و بویراحمد قرار دارد و تأسیسات نفتی پیشرفته‌ای را در خود جای داده است، از جمله مهمترین شهرهایی بودند که صدام حسین دستور بمباران و حمله به آن‌ها را صادر کرده بود.

در روز سی و یکم شهریور ۱۳۵۹ یعنی روزی که ارتش عراق

است: "... کمپانی، سه مرخصخانه جامع به طرز جدید بنا و به خرج خود آن‌ها را اداره می‌نماید و از این راه وسایل جدید طبی به جهت عموم اهالی و مستخدمین کمپانی فراهم نموده است. در خود طهران، کمپانی در مساعدت با یک مرخصخانه دیگری شرکت جسته و ... " (۵).

این تشکیلات پس از ملی شدن صنعت نفت گسترده‌تر شد و به امکانات تشخیصی و درمانی پیشرفته‌تری مجهز گردید، به ترتیبی که در آغاز جنگ، بیمارستان‌های مسجدسلیمان و آبادان نقش بسیار مهمی را در اداره وضعیت مجروحین و مصدومین در خط مقدم جنگ داشتند و بیمارستان مرکزی نفت تهران به عنوان پشتیبانی محکم برای بیمارانی که از مناطق جنگی به تهران اعزام می‌شدند، نقش ایفا می‌نمود.

پس از سال ۱۳۵۷، تعداد اندکی پزشک و پرستار هندی در تشکیلات بهداشتی و بهداشت مسجدسلیمان و آبادان مشغول کار بودند تا این که جنگ ایران و عراق آغاز شد. همزمان با شروع جنگ، این گروه پزشکی خدمات شایانی ارائه داد، تعدادی از آنان در سال ۱۳۶۳ ایران را ترک کردند و بقیه پرسنل غیرایرانی نیز تا اوایل سال ۱۳۷۴ در بیمارستان مسجدسلیمان به خدمت خود ادامه دادند و سپس از ایران رفتند (۶).

از میان مناطق نفت‌خیز ایران که در تیررس دشمن عراقی قرار داشتند شش شهر مسجدسلیمان، آبادان، اهواز، آغاجاری، گچساران و ماهشهر دارای بیمارستان بودند که از میان آن‌ها بیمارستان‌های آبادان و مسجدسلیمان نقش مهمتری در مدیریت و رسیدگی به مجروحین جنگی داشتند.

در ادامه به خدمات بیمارستان‌های آبادان و مسجدسلیمان که نگارنده توانسته است اطلاعات بیشتری درمورد آن‌ها به‌دست آورد پرداخته شده است. یادآور می‌شود که بیشتر اطلاعات بیمارستان نفت آبادان از خاطرات ایرج محبوب، جراح وقت بیمارستان نفت آبادان به‌دست آمده است.

بیمارستان نفت آبادان

بیمارستان نفت آبادان یکی از مجهزترین بیمارستان‌های کشور در سال ۱۳۵۹ به حساب می‌آمد. بیمارستان در طرف شرقی پالایشگاه آبادان قرار داشت و با خیابانی به پالایشگاه متصل می‌شد.

مساحت بیمارستان آبادان در آن زمان حداقل یک کیلومتر در یک کیلومتر بود. بیمارستان دو بخش داشت. بیمارستان شماره یک که بیشتر شامل بخش سرپایی، درمانگاه‌ها، بخش‌های پاراکلینیکی، اتاق انتظار و بخش‌های اداری و مدیریتی بود و بیمارستان شماره دو که خود دو طبقه بود و اتاق‌های عمل در آن قرار داشتند. علاوه بر بخش‌ها که عموماً یک طبقه بوده و در حیاط بیمارستان قرار داشتند، چند قسمت دیگر نیز در بیمارستان وجود داشت؛ از جمله قسمت بزرگی به نام جراح‌خانه شماره ۳ که امکانات یک اتاق عمل

رسماً حمله خود را به ایران آغاز کرد، آبادان و جزیره خارک (۳) مورد حمله موشکی و حملات هوایی قرار گرفتند و سایر مناطق نفت‌خیز، اسکله‌های نفتی و نفتکش‌های ایرانی نیز از این حملات مصون نماندند. بمباران‌ها و موشک‌باران‌های مناطق نفت‌خیز سبب شد تا حداکثر، امکان صادرات یک میلیون بشکه نفت از پایانه جزیره خارک در آغاز جنگ وجود داشته باشد که به عنوان تنها منبع درآمد کشور به خارج صادر می‌شد (۴). در روزهای آغازین جنگ، سپاه پاسداران که به تازگی ایجاد شده بود، فاقد هرگونه امکانات بهداشتی و درمانی بود و ارتش هم به دلیل تحولات گسترده‌ای که در رأس آن ایجاد شده بود، هنوز قوام و نظم لازم را به خود نگرفته و از انسجام مدیریتی لازم برای مقابله و دفاع در برابر چنین هجوم گسترده و غافلگیرکننده‌ای برخوردار نبود (۴).

[در این شرایط] وزارت بهداشتی که پاسخگوی تأمین نیازهای بهداشتی - درمانی مردم هم نبود؛ حال باید به خیل عظیم مجروحان از خط مقدم گرفته تا پس از اعزام آنان به اقصای نقاط کشور ارائه خدمت می‌نمود. همچنین لازم بود به آن دسته از ساکنین شهرهایی که به دلیل بمباران و موشک‌باران شهرهای خود را ترک کرده و به دره‌ها و دامنه‌های کوه‌ها و صحراها پناه برده و پراکنده شده بودند، انواع خدمات بهداشتی - درمانی و از جمله تأمین آب آشامیدنی سالم و دفع بهداشتی فضولات را ارائه می‌کرد (۴).

بنابراین، وجود تشکیلات پیشرفته بهداشتی و درمانی در بدنه صنعت نفت می‌توانست نقش مهمی در ارائه خدمات بهداشتی و درمانی به مجروحین جنگ و مردم بومی داشته باشد. در سال ۱۳۵۹ حدود ۷۰ سال از کشف نخستین چاه نفت در میدان نفتون در مسجدسلیمان می‌گذشت و بهداشتی و بهداشت نفت که مقارن با حفاری و کشف نخستین چاه نفت در ایران شکل گرفته بود به تشکیلات منظم و گسترده‌ای تبدیل شده بود که نه تنها در مناطق نفت‌خیز ایران، بلکه در کشورهای هم‌جوار نیز کم‌نظیر به نظر می‌رسید. اکتشاف نفت در ایران به سال ۱۹۰۸ میلادی (خرداد ۱۲۸۷ خورشیدی) برمی‌گردد (۱). شرایط سخت آب و هوایی حاکم بر مناطق نفت‌خیز ایران سبب شد تا شرکت نفت داری (William Knox Dary) در سال ۱۲۸۶ خورشیدی، یعنی یکسال پیش از کشف نخستین چاه نفت، به فکر جذب پزشک مجربی به نام موریس یانگ (Dr. M. Young) برای همراهی گروه حفاری شرکت نفت داری در مسجد سلیمان که شرایط آب و هوایی و بهداشتی نامناسبی داشت، بیافتد. یانگ را می‌توان پایه‌گذار تشکیلات بهداشتی و درمانی نفت ایران دانست. او نخستین بیمارستان نفت در خاورمیانه را در مسجدسلیمان در سال ۱۹۱۴ میلادی (۱۲۹۳ شمسی) بنا نهاد. سبک معماری این بیمارستان برگرفته از معماری خاص کشورهای غربی بود (۱).

بعدها تدریجاً بر امکانات بهداشتی و درمان نفت افزوده شد. در بولتنی بی‌تاریخ که احتمالاً حدود ۹۵ سال پیش از سوی اداره نفت انگلیس و ایران در مطبوعه روشنایی (طهران) به چاپ رسیده، آمده

کامل را داشت و برای انجام جراحی‌های کوچک مثل کشیدن ناخن، بخیه‌زدن زخم‌های سطحی، درآوردن غدد چربی کوچک و غیره که می‌شد با بی‌حسی موضعی انجام داد، مورد استفاده قرار می‌گرفت (۷).

در سال‌های پیش از انقلاب، سه بیمارستان در آبادان وجود داشت: بیمارستان شرکت نفت آبادان، بیمارستانی در محله احمدآباد آبادان نزدیک رودخانه کارون که شیروخورشید وقت آن را اداره می‌کرد و بیمارستانی در بلوار بین آبادان و خرمشهر به نام بیمارستان آراین که خصوصی بود. این بیمارستان بعد از انقلاب به بیمارستان طالقانی تغییر نام یافت.

بیمارستان‌های شهری همانند بیمارستان‌های فوق در طول جنگ بویژه در ماه‌های نخست، خدمات زیادی به نیروهای نظامی و مردم مناطق جنگی ارائه نمودند. برخی از بیمارستان‌ها از جمله بیمارستان طالقانی آبادان به دلیل نزدیک بودن به خط مقدم نبرد، شرایط عملیاتی پیدا کرده بود و توسط نیروهای داوطلب و متخصص پزشکی اداره می‌شد.

بیمارستان نفت آبادان در جریان جنگ

آبادان در روز سی و یک شهریور سال ۱۳۵۹ یعنی روزی که به‌عنوان تاریخ آغاز جنگ ایران و عراق شناخته می‌شود، مورد حملات هوایی دشمن قرار گرفت. وینفورد رولندز- جراح وقت بیمارستان نفت آبادان- درمورد این روز چنین می‌نویسد: "حدود ده روز از آمدنم به آبادان نگذشته بود که جنگ بین عراق و ایران شروع شد. در آن دوشنبه سرنوشت‌ساز، بیست و دوم سپتامبر ۱۹۸۰ (۳۱ شهریور ۱۳۵۹) ... ناگهان به یادم آمد که آن روز نوبت کاری من است ... مرد جوانی روی برانکارد دراز کشیده و در حالی که پای راست او با باندی خون‌آلود بسته شده بود فریاد می‌زد ... انتقال او را که شاید اولین مصدوم جنگ [در آبادان] بود به اتاق عمل انجام دادم. فقط قطع عضو تنها راه چاره و نجات جان او بود. این به احتمال زیاد نخستین مورد جراحی بود که روی مجروحین جنگ ایران و عراق انجام می‌شد (۸).

او همچنین می‌نویسد: "... همه پزشکان بیمارستان با تمام وجود در حال مراقبت و رسیدگی به مجروحین بودند. به سرعت تک تک مجروحین را دیدم و به ارزیابی آن‌ها پرداختم؛ و سپس به سراغ رئیس بخش جراحی رفتم و با او درمورد وخامت اوضاع صحبت کردم. به دنبال این گفتگو، تمام پزشکان فراخوانده شدند و پس از بحث و تبادل نظر، تصمیم بر این شد که "پروتکلی" را معین کرده و بر پایه آن طبق برنامه‌ای هماهنگ عمل کنیم. بر این اساس؛ هر جراح به همراه دو پرستار و دو نیروی خدماتی، یک واحد (Unit) را تشکیل داده و سرپرستی مجروحین را می‌پذیرفت و پس از انجام اقدامات اولیه، رئیس بخش جراحی که مسئولیت مجموعه اتاق‌های عمل بر عهده او بود؛ در هر مورد تصمیم‌گیری می‌کرد. تصمیم او، نهایی بود. در آن زمان، غیر از رئیس بخش

جراحی، چهار جراح دیگر نیز در بیمارستان بودند (۸).
بر پایه این گفتار، بیمارستان‌های نفت در مناطق جنگی پیش از سایر بخش‌های بهداشتی و درمانی کشور خدمات خود را به مجروحین جنگ و مردم مناطق جنگی آغاز کردند و تا پایان این جنگ طولانی، لحظه‌ای از خدمات انسانی خود فروگذار ننمودند.
به علاوه؛ آنچه رولندز در روز نخست جنگ از آن یاد می‌کند، نکته بسیار مهمی در زمینه گروه‌بندی و اولویت‌دهی به مجروحین بر پایه وخامت حال‌شان است که در پزشکی اورژانس از آن با عنوان تریاژ (Triage) یاد می‌شود و انجام این اقدام و اقدامات دیگری از این قبیل در آن روزگار، بسیار ارزشمند و تعجب‌برانگیز است.

بیمارستان‌های نفت در روزهای آغازین جنگ تنها توسط پزشکان و دیگر نیروهای بهداری و بهداشت نفت اداره می‌شد و خبری از حضور نیروهای داوطلب و طرحی نبود تا این که پس از چند ماه، نیروهای داوطلب و طرحی سازماندهی شده و به مناطق جنگی اعزام شدند و بخشی از آنان در بیمارستان‌های نفت به کار مشغول گردیدند (۹).

در روز نخست جنگ، پالایشگاه آبادان مورد بمباران قرار گرفت و بیمارستان نفت آبادان از همان ساعات نخست، نقش مهم رسیدگی به مجروحین را عهده‌دار شد. ایرج محبوب که خود در آن زمان یکی از جراحان بیمارستان نفت آبادان بود، در خاطراتش می‌نویسد: "تیم جراحی بلافاصله دست به کار شد و مجروحان را بر حسب شدت جراحت‌شان به اتاق عمل بردیم. ما سه اتاق عمل و پنج جراح داشتیم: دکتر جواد پروین، رئیس بخش جراحی، دکتر لینکلن تمارز، دکتر عنایت کریمی، دکتر سیروس صابر که به تازگی استخدام شده بود و یک دکتر هندی به نام دکتر شاه که دو ماه قبل استخدام شده بود، [به علاوه] پنج دستیار جراح بودیم: من، دکتر حسین جلالی، دکتر شاه‌نظریان، دکتر یونسی و دکتر منصور صفایی. رئیس بخش رادیولوژی هم دکتر سیروس اهتمامی بود (۷)."

به نظر می‌رسد محبوب، دکتر شاه، جراح هندی که در آغاجاری خدمت می‌کرد را با دکتر رولندز که به تازگی به بیمارستان نفت آبادان آمده بود، اشتباه گرفته است.

نگارنده که در سال ۱۳۷۴ به‌صورت قراردادی در بهداشت و درمان صنعت نفت تهران مشغول به کار شدم سعادتمند دیدار آقای دکتر جواد پروین را که دیگر دوران سالمندی را می‌گذراند و بعد از بازنشستگی به‌صورت قراردادی برای انجام جراحی‌های سرپایی با بهداشت و درمان نفت تهران همکاری می‌کرد، یافتم. ایشان در آن زمان هم هنوز جراحی بسیار جدی و منظم بود و کارهایش را با نظم و ترتیب خاص خود انجام می‌داد.

بیمارستان نفت آبادان در سال‌های جنگ بارها مورد حملات هوایی و اصابت خمپاره و بمب قرار گرفت. در همان روزهای اول جنگ برخورد خمپاره به حیاط بیمارستان نفت آبادان موجب مجروح شدن چند تن از پزشکان از جمله دکتر ریاضی، دکتر جواهری و دکتر غانم-متخصص گوش و حلق و بینی- و چند نفر

می شدند در بیمارستان خرمشهر (بیمارستان مهر) و تعدادی را نیز در بیمارستان آرین آبادان (طالقانی) معالجه می کردند و گاهی نیز عده‌ای را به بیمارستان ما می آوردند (۷).

متأسفانه در روز چهارم آبان ۱۳۵۹، خرمشهر سقوط کرد و آبادان نیز به محاصره نیروهای دشمن درآمد. هدف اصلی نیروهای عراقی اشغال آبادان بود. آن‌ها از طریق بیابان‌ها و جاده ماهشهر به آبادان، تا چند کیلومتری آبادان پیش روی کردند و در تاریخ هشتم آبان ۱۳۵۹ آبادان را به محاصره خود درآوردند. حصر آبادان تا ۵ مهرماه سال ۱۳۶۰ به درازا کشید.

در این مدت، آبادان بارها مورد حملات هوایی و توپخانه دشمن قرار گرفت و در هر مرحله، بخشی از پالایشگاه و بیمارستان نفت آبادان صدمه دید. هربار که شهر مورد حمله قرار می گرفت، سیل مجروحان به بیمارستان سرازیر می شد؛ بیمارستان شیروخورشید (هلال احمر کنونی) را زده بودند و آن بیمارستان از گردونه خارج شده بود (۷).

این وضعیت همچنان ادامه داشت و پزشکان نفت کماکان از سایر مناطق ایران برای دوره‌های یکماهه به اهواز، آبادان و مسجدسلیمان اعزام می شدند. پزشکان عمومی نفت نیز [مانند سایر پزشکان] برای طرح یکماهه به بیمارستان‌های مناطق جنگی اعزام می گردیدند.

این بمباران‌ها و حملات ادامه داشت تا در روز ۲۲ بهمن ۱۳۶۲، عراق شروع به گلوله باران شهرهای ایران از جمله آبادان کرد و با شدتی باورنکردنی شهر را به توپ و خمپاره و خمسه‌خمسه بست. در این بمباران، اتاق عمل بیمارستان [نفت آبادان] خراب شد و جا برای عمل جراحی نبود. محبوب می نویسد: تا اواخر اسفند ۱۳۶۲ به عنوان تنها جراح، همراه یک دکتر بیهوشی و تکنسین‌ها در بیمارستان آبادان ماندم. شدت خسارات بیمارستان به حدی بود که دیگر نمی شد مانند گذشته به مجروحان خدمت ارائه داد؛ ولی بیمارستان طالقانی هنوز دایر بود و از طرف [وزارت] بهداری اداره می شد (۷).

در زمینه فداکاری‌های پزشکان بخش جراحی بیمارستان نفت آبادان به خاطره‌ای برخوردیم که ذکر آن خالی از لطف نیست. وینفورد رولندز جراح هندی بیمارستان آبادان در کتاب خاطرات خود که آن را در سال ۲۰۰۹ میلادی در هندوستان منتشر نموده، می نویسد: "... یک روز رئیس بخش جراحی [دکتر جواد پروین] و پزشک دیگری نزد من آمدند و گفتند فعلاً خبری از بمباران نیست، یکی از آمبولانس‌ها در حال انتقال بیمار است. شما باید با او همراه شده و از این‌جا دور شوید. عجله کنید. ناخودآگاه گفتیم: "پس شما چی؟"

او گفت: "شما در کشور ما میهمان هستید و نباید سختی‌های این‌جا را تحمل کنید. به کشور خود بازگردید؛ به نزد خانواده خود بروید و مطمئن باشید که ما همواره به خوبی از شما یاد و قدردانی خواهیم کرد" (۸).

دیگر از کارکنان بیمارستان مذکور گردید، اما در این میان جراحات و میزان مصدومیت دکتر غانم چشمگیرتر بود. او دچار قطع انگشت شست دست و شکستگی‌های متعددی در استخوان ران شده بود (۷). در روزهای نخست جنگ، هنوز ستاد تخلیه مجروحان راهاندازی نشده و تمام بخش‌های بیمارستان نفت آبادان تبدیل به بخش جراحی شده بود و تمام جراحان و دستیاران جراحی [شبانروز] در بیمارستان بودند و در راهروهای منتهی به اتاق عمل می خوابیدند (۷). با وجود همه موانع، خدمت‌رسانی به مجروحین جنگ همچنان ادامه داشت. مجروحین متعاقب انجام اقدامات اولیه و جراحی‌های مورد نیاز و پس از تثبیت وضعیت به بیمارستان‌های دیگر شهرها و استان‌ها انتقال می یافتند. بیمارستان‌های وابسته به وزارت بهداری در اهواز و بیمارستان نفت تهران نیز پذیرای بسیاری از این بیماران بودند. پس از به اسارت درآمدن وزیر نفت وقت، مهندس جواد تندگویان، در نهم آبان‌ماه ۱۳۵۹، مهندس سیدمحمد غرضی به عنوان وزیر نفت برگزیده شدند. ایشان مدت کوتاهی پس از آن که به عنوان وزیر نفت برگزیده شد، محمدحسین مقدسی را به عنوان رئیس کل بهداری و بهداشت وزارت نفت منصوب نمود و مقدسی نیز پس از دو هفته محمدحسن طریقت منفرد را به ریاست بهداری و بهداشت نفت تهران انتخاب کرد. ریاست بیمارستان در آن زمان بر عهده دکتر دیبا بود. در آن سال دو بخش پنجاه تختخوابی در بیمارستان نفت تهران برای بیمارانی که از مناطق جنگی به تهران اعزام می شدند، تدارک دیده شد که تقریباً تا پایان جنگ به خدمت‌رسانی به مجروحین پرداخت (۹).

در روزهای نخست جنگ، دولتشاهی ریاست بهداری نفت آبادان را بر عهده داشت و ریاست بیمارستان بر عهده دکتر ژاک لازار بود.

در طی این سال‌ها، پزشکان نفت نیز همانند سایر پزشکان، در قالب طرح‌های یکماهه به مناطق جنگی اعزام شده و به خدمت‌رسانی مشغول بودند. بیشتر این پزشکان به بیمارستان‌های نفت رفته و در آن بیمارستان‌ها به خدمت مشغول می شدند؛ یکی از جراحان قابلی که از بهداری نفت تهران به بیمارستان آبادان آمده بود، دکتر شاپور هائف بود (۷).

پزشکان دیگر نیز که از سوی وزرات بهداری اعزام می شدند گاه در اختیار بهداری و بهداشت نفت قرار می گرفتند. محبوب در خاطراتش می نویسد: "... بسیار تحسین‌آمیز همه دست به دست هم داده و در تمام موارد همه به کمک هم می آمدند، از جمله همکاری بین بیمارستان‌ها و تبادل بیمار و پزشک. در آن مدت چند تیم جراحی و امدادگر از وزارت بهداری و بهداشت به آبادان اعزام شده و در بیمارستان‌های مختلف تقسیم شدند. بیشترین تعداد را به بیمارستان ما [نفت آبادان] فرستادند (۷).

بیمارستان‌های آبادان، همزمان به مجروحین خرمشهر نیز خدمات درمانی ارائه می دادند و بیمارستان نفت آبادان نیز در این میان نقش ارزنده‌ای داشت. اغلب کسانی را که در خرمشهر مجروح

جراحی مجروحین غیرنظامی ناشی از بمباران‌ها و موشک‌باران‌ها و نیز مجروحین نظامی و دیگر رزمندگان را به دوش کشید. او پس از مدت‌ها کار شبانه‌روزی، بخش جراحی بیمارستان مسجدسلیمان را به رولندز که از آبادان به مسجدسلیمان آمده بود سپرد و خود به عنوان جراح ارشد، راهی بیمارستان نفت تهران شد. او در سن ۵۰ سالگی بر اثر ابتلا به سرطان لوزالمعده در تهران درگذشت (۶).

رولندز پس از غفاریور مسئولیت بخش جراحی بیمارستان نفت مسجدسلیمان را عهده‌دار شد و تا دی‌ماه سال ۱۳۶۲ که به کشور خود، هندوستان - بازگشت، جراح اصلی این بیمارستان به حساب می‌آمد.

در این سال‌ها، بیمارانی که صدمات عمده‌تری داشتند و امکان ارائه کامل خدمات به آن‌ها وجود نداشت، پس از اقدامات اولیه و تثبیت وضعیت حیاتی، با آمبولانس و یا هلی‌کوپتر با اسکورت طبی به بیمارستان‌های شهرهای دیگری چون اهواز، تهران و اصفهان انتقال می‌یافتند. به‌علاوه در سال‌های جنگ، جراحان بیمارستان نفت تهران از جمله دکتر دیبا، دکتر حاجیلری، دکتر رضا استوار، دکتر مدیری، دکتر مؤمن و دستیاران بخش جراحی نفت به صورت دوره‌ای به مسجدسلیمان [و آبادان] آمده و به درمان مجروحین و سایر بیماران می‌پرداختند.

همچنین پزشکان شهرهای دیگری مانند تهران، اصفهان، مشهد، تبریز و ... نیز گاه از سوی وزارت بهداشت به بیمارستان مسجدسلیمان اعزام شده و طرح یک‌ماهه خود را در آن‌جا می‌گذراندند (۶).

یادآوری این نکته مهم است که کارکنان سایر شرکت‌های زیر مجموعه صنعت نفت و سایر آحاد مردم نیز به عنوان نیروهای امدادی داوطلب [یا با عناوینی چون امدادگر و جهادگر] کمک‌های شایانی به همکاران خود در بهداری و بهداشت نفت می‌نمودند (۳). در کنار همه این‌ها، برخی از پزشکان و پرستاران باوجود بازنشستگی، داوطلبانه در مناطق جنگی ماندند و به خدمات خود به مجروحین جنگ ادامه دادند. یکی از این چهره‌های برجسته، زنده‌یاد علی نهانوندی (۱۲۹۳-۱۳۸۸ خورشیدی) بود. معاون اداری و مالی مناطق نفت‌خیز در مردادماه سال ۱۳۵۹ به استناد بخشنامه شهید محمدعلی رجایی، نخست‌وزیر وقت، مبنی بر عدم به‌کارگیری نیروهای بازنشسته در شرکت‌ها و سازمان‌ها به نهانوندی ابلاغ کرد که از تاریخ ۱۳۵۹/۶/۱ به خدمات پیمانی وی پایان داده خواهد شد؛ [اما] شرایط جنگی و وضعیت خاص مناطق نفت‌خیز و نیاز شدید شهر و منطقه به پزشک متخصص باعث شد تا حاجت شمس‌پور، رئیس وقت امور اداری و اجتماعی شرکت ملی نفت منطقه مسجدسلیمان، سیدضیاء هادوی، رئیس بهداری و بهداشت مناطق نفت‌خیز اهواز و مهدی طباطبایی، رئیس بهداری و بهداشت شرکت نفت منطقه مسجدسلیمان، در نامه‌های جداگانه‌ای، درخواست تمدید قرارداد استفاده از خدمات نهانوندی را داشته باشند. نهانوندی، خود نیز در سال ۱۳۶۰ به ریاست بهداری و بهداشت

به این ترتیب رولندز از آبادان که خط مقدم جنگ به حساب می‌آمد خارج شد، اما از ایران نرفت، بلکه به بیمارستان نفت مسجدسلیمان رفت و در آن‌جا خدمات ارزنده‌ای به کارکنان صنعت نفت و مجروحین جنگی نمود.

بیمارستان نفت مسجدسلیمان در جریان جنگ

بیمارستان نفت مسجدسلیمان، که نخستین بیمارستان در تشکیلات صنعت نفت بود، توسط موریس یانگ بنا شد. بعد از بیمارستان مسجدسلیمان، بیمارستان نفت آغاچاری، آبادان، گچساران، ماهشهر و اهواز ساخته شدند. معماری این بیمارستان به سبک غربی بود و به بیمارستان ۱۴۶ تختخوابی نیز شهرت داشت. در سال ۱۳۵۹ خورشیدی، بیمارستان نفت مسجدسلیمان دارای بخش‌های اصلی (جراحی، داخلی، زنان و زایمان و کودکان)، اتاق عمل، پلی‌کلینیک تخصصی، آزمایشگاه و رادیولوژی، داروخانه، آموزشگاه بهیاری و خوابگاه پرستاری بود که در مجاورت بیمارستان قرار داشت. از روزهای آغازین جنگ تا سال ۱۳۶۱، ریاست بهداری و بهداشت مسجدسلیمان و بیمارستان آن بر عهده مهدی طباطبایی بود و پس از ایشان آقایان بسحاق‌زاده، خسرو جهانگیریان، ارسطو و حمدی‌زاده این مسئولیت را عهده‌دار شدند (۶).

تقریباً یک‌ماه پس از آغاز جنگ، یعنی در سی‌ام مهرماه ۱۳۵۹، مسجدسلیمان مورد اصابت موشک‌های اسکاد B که نسل A آن توسط هیتلر در جنگ جهانی دوم استفاده شده بود، قرار گرفت. بار مداوای این مجروحان بر دوش دو بیمارستان نفت و ۲۲ بهمن این شهر افتاد. به واسطه نزدیک‌بودن بیمارستان نفت نسبت به بیمارستان ۲۲ بهمن، بیشتر مجروحین را به این بیمارستان منتقل می‌کردند. در جریان حمله موشکی سی‌ام مهرماه، ۱۲۰ نفر از مردم مسجدسلیمان به شهادت رسیدند و ۲۴۴ نفر نیز مجروح شدند (۶). خانم سکینه کاووسی تنها پرستار اتاق عمل بیمارستان نفت مسجدسلیمان در سال ۱۳۵۹ چنین می‌گوید: "... تمامی جاده‌ها به خاطر بمباران‌ها بسته شده بود و هر کس با هر وسیله‌ای که می‌شد مجروحین را به بیمارستان منتقل می‌کرد. در آن زمان ۶ پرستار و ۱۴ جهادگر در بیمارستان حضور داشتند و من تنها پرستار اتاق عمل بودم.

بیمارستان در وضعیت آماده‌باش بود و صحنه‌های بسیار دلخراشی دیده می‌شد. به خاطر تعداد زیاد شهدا، سردخانه بیمارستان جوابگو نبود و ما مجبور به تخلیه سالن انتظار بخش OPD و آماده‌کردن آن برای قرارگرفتن اجساد شهدا شدیم. بعد از گذشت یک روز، یخ‌هایی که در کنار جنازه شهدا بود آب شده، خونابه تمام سالن را پر کرد. بعد از تحویل اجساد شهدا، سالن انتظار ضدعفونی گردید و برای مراقبت از مجروحین آماده شد (۶).

در آن زمان تنها جراح این بیمارستان حسین غفاریور بود که خدمات ارزشمندی به مجروحین جنگ نمود و به تنهایی بار سنگین

بهداری جنوب به تهران بازمی‌گشته، در اثر تصادف اتومبیل در حین مأموریت به شهادت رسیده است؛ در حالی که نام ایشان در فهرست مذکور دیده نمی‌شود. به هر حال این مطالب نیاز به راستی‌آزمایی دارد و همچنین به نظر می‌رسد فهرست شهدای بهداشت و بهداشت نفت در جریان جنگ نیازمند بررسی بیشتری باشد، زیرا نوع رابطه استخدامی کارکنانی که به شهادت رسیده‌اند با شرکت ملی نفت و یا عدم درج نام آن‌ها در فهرست شهدا در بنیاد شهید می‌تواند علت این عدم همخوانی باشد.

نتیجه‌گیری

بیمارستان‌های شهری از جمله بیمارستان‌های شرکت ملی نفت ایران در شهرهای مناطق نفت‌خیز جنوب ایران؛ بویژه در روزها و ماه‌های آغازین جنگ و تا پیش از تأسیس بیمارستان‌های صحرائی و حتی تا پایان جنگ، نقشی حیاتی و ارزنده در خدمت‌رسانی به مجروحین جنگ و مردم مناطق درگیر در این جنگ هشت‌ساله داشته‌اند که متأسفانه کمتر بدان پرداخته شده است. بی‌تردید پرداختن به این بخش مهم از طب رزمی در جریان جنگ ایران و عراق نه تنها از بُعد تاریخ پزشکی معاصر ایران حائز اهمیت است، بلکه می‌تواند نقش الگوهای ساختارمند و منظمی چون تشکیلات منسجم بهداشت و درمان صنعت نفت را در بدنه بهداشت و درمان کشور به ویژه در جریان بحران‌ها و وقایع غیرمترقبه بیان دارد و ضرورت حفظ و نگاهداری از چنین ساختارهای ارزشمندی را به متولیان سلامت در کشور گوشزد نموده و آن را به عنوان الگویی کارآمد، کاربردی و موفق به نسل‌های بعدی معرفی نماید.

تضاد منافع: بدین وسیله نویسندگان تصریح می‌نمایند که هیچ‌گونه تضاد منافی در مطالعه حاضر وجود ندارد.

منابع

1. Sardaripour M, Yazdi Nezhad A. The Story of Simorgh Petroleum. 2nd Edition. Tehran: Mirmah Publication; 2012. [In Persian]
2. Khodvardian F. Khuzestan, Civilization and Petroleum. First Edition. Dela Publication; 2014. [In Persian]
3. Siah Rag (a collection of memoirs of the Retirees of the Karoon Oil and Gas Exploitation Company). Public Relations of the Karoon Oil and Gas Exploitation Company. First Edition, 2016. [In Persian]
4. Foroutan SA. A Perspective On the Medical History of the Sacred Defence. First Edition. Sureh-Mehr Publication; 2017. [In Persian]
5. Abbadan. Anglo-Iranian Oil Company. Bita Publication.
6. A conversation with Mrs. Sakineh Kavousi. The operating room nurse of Naft Hospital in Masjed Soleyman during the years of the Iran-Iraq war, 2021.

منطقه مسجدسلیمان چنین نوشت: "اینجانب علی نهاوندی، کارمند پیمانی شرکت نفت ساکن مسجدسلیمان با وجودی که در شرکت نفت این شهرستان بازنشسته شده‌ام، به علت کمبود پزشک متخصص چشم و نیازی که به خدمات اینجانب می‌باشد، در رابطه با تراکم جنگ‌زدگان آواره جهت همکاری حاضر شده‌ام در این مؤسسه به طور پیمانی خدمت خود را ادامه دهم و هرگاه نیازی به وجود نباشد، این شهرستان را ترک نموده و به تهران مراجعت نمایم. توضیحاً بنده جز یک خانه در تهران، خانه دیگری ندارم و در این شهرستان نیز خانه‌ای سازمانی در اختیارم می‌باشد. با تقدیم احترام. علی نهاوندی تاریخ ۱۳۶۰/۸/۱۸"

[دکتر] نهاوندی در طول جنگ تحمیلی در مسجدسلیمان ماند و ضمن ارائه خدمات پزشکی به مجروحان جنگی در بیمارستان نفت مسجدسلیمان، به کمپ‌های جنگ‌زدگان که در حاشیه شهر ایجاد شده بود، نیز سرکشی می‌کرد. وی همچنین در شرایط سخت جنگی از سرکشی به بیمارستان‌های دیگر مناطق نفت‌خیز نیز غافل نبود و به نوبت به این شهرها نیز سرکشی می‌کرد (۱۰).

شهدای بهداشتی و بهداشت نفت

براساس اسنادی که در امور ایثارگران سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت موجود است، آمار شهدای این سازمان در جریان جنگ هشت‌ساله ایران و عراق ۱۳ نفر می‌باشد (۱۱) که عکس و نیز مختصری از زندگی هریک از این ۱۳ تن در اختیار نگارنده قرار دارد. با این همه نگارنده در منابع دیگر به اسامی شهدایی برخورده است که نام‌شان در فهرست ۱۳ نفره مذکور دیده نمی‌شود. به عنوان نمونه، رولندز در کتاب خاطراتش از نخستین روزهای جنگ در بیمارستان نفت آبادان از کمک‌بهریاری به نام آقای انصاری یاد می‌کند که بر اثر بمباران به شهادت رسیده است (۸) و یا گفته می‌شود که دکتر اسفندیار داراییان زمانی که از مأموریت یکماهه از

- [In Persian]
7. Mahjoub I. The Day I Wept in the Operating Room. First Edition. Sureh-Mehr Publication; 2020. [In Persian]
 8. Rollands W. Iran That I Saw, Lived in and Loved. S. V. Press, Neyyattinkara, First Edition, India, 2009.
 9. A conversation with Mr. Seyed Ramezan Mohsenpour. The administrative-financial manager of health and sanitation of Tehran petroleum during the first years of the Iran-Iraq war, 2021. [In Persian]
 10. Khodadadian F. People-lover physician at Oil Hospital: A glimpse at late Ali Nahavandi life and services. Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine. 2020;10:9-16. [In Persian]
 11. A telephone conversation with Mr. Gholam Zamani. The former expert on veterans' affairs of the oil industry health and treatment organization, 2021. [In Persian]